

رستاخیز انرژی ها

محمد شریعتی کمال آبادی

چکیده

از آیه شریفه: «الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ مِنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا» (یس، ۳۶/۸۰) چنین بر وجود معاد استدلال می شود که آن خدایی که برای شما از درخت سبز آتش آفرید و به وسیله آن آتش می افروزد قادر است بر این استخوان های پوسیده بار دیگر لباس حیات بپوشاند. می دانیم که آب و آتش دو چیز متضاد است؛ کسی که می تواند آن دو را در کنار هم قرار دهد، قدرت این را نیز دارد که حیات را در کنار مرگ، و مرگ را نیز در کنار حیات قرار دهد؛ همچنین می توان از آیه چنین استفاده کرد که خاصیت آتش سوزی تنها مربوط به دو درخت - مرخ و عفار - نیست بلکه در همه درختان وجود دارد و می توان گفت از آنجا که درختان در عمل کربن گیری از گرما و نور آفتاب استفاده می کنند مقداری از انرژی آفتاب در چوب آنها ذخیره شده و هنگام سوختن تولید گرما و انرژی می کنند.

کلید واژه ها: آتش؛ آب؛ انسان؛ حیات؛ درخت؛ قیامت؛ مردگان؛ معاد.

مقدمه

ژرفای نامحدود قرآن یکی از ویژگی های ذاتی این کتاب آسمانی به شمار می رود. این ویژگی که در روایات از آن با عنوان «بطن» و «بطون» یاد شده چنان مورد عنایت و تاکید پیامبر

اکرم (ص) و اهل بیت (ع) قرار گرفته که بنا به اظهار جمعی از اندیشمندان دینی «روایات بطن» از جمله روایات متواتر شمرده می شوند^۱. بر خوداری یک سخن یا متن مکتوب از «بطن» به این معناست که آن سخن یا متن علاوه بر آنچه با ظاهرش عرضه می کند، مفاهیم و مطالب دیگری را نیز در خود دارد که با ساز و کاری ویژه می توان آنها را استخراج کرد^۲. علامه طباطبایی در تعریف ظهر و بطن می گوید: ظهر همان معنای ظاهر و ابتدایی است که از آیه به دست می آید و معنای بطن در زیر ظاهر است؛ چه آن معنا یکی باشد یا بیشتر^۳. در جای دیگر امام باقر (ع) بطون قرآن را رمز ابدیت قرآن شمرده و قرآن را به خورشید و ماه تشبیه می کنند^۴. در این نوشتار یکی از آیاتی که دلالت بر ژرفای نهایت ناپذیر قرآن داشته و از جمله آیات بطون به حساب می آید؛ یعنی: آیه شریفه: «الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ مِنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَنْتُمْ مِنْهُ تُوقَدُونَ» (یس، ۸۰/۳۶) از باب تبرک تحت عنوان «رستاخیز انرژی ها» مورد بررسی قرار گرفته است.

رستاخیز انرژی ها

آیات قبل از آیه مورد بحث پیرامون معاد سخن می راند و اشاره ای پر معنا و زنده ای بر مسأله امکان معاد و رفع هر گونه استبعاد از آن را مطرح می کند. در این آیه و آیات بعد از آن که آخرین آیات سوره یس است، شرح بیشتر و گویا تری درباره همین مسأله مطرح می کند، و از سه یا چهار طریق جالب آن را تعقیب می نماید. نخست می فرماید: آن خدایی که برای شما از درخت سبز آتش آفرید و شما به وسیله آن آتش می افروزید قادر است که بر این استخوان های پوسیده بار دیگر لباس حیات ببوشاند: «الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ مِنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَنْتُمْ مِنْهُ تُوقَدُونَ». چه تعبیر عجیب و جالبی که هر قدر در آن بیشتر دقیق شویم معانی عمیق تری به ما ارائه می دهد. اصولاً بسیاری از آیات قرآن دارای چندین معنا است، بعضی ساده برای فهم عامه مردم در هر زمان و هر مکان، و بعضی عمیق برای خواص، و سرانجام بعضی کاملاً عمیق برای زبده های خواص، و یا اعصار و قرون دیگر و آینده های دور؛ در عین حال این معانی با هم منافاتی ندارد و در آن واحد در یک تعبیر پر معنا جمع است آیه فوق همین گونه است.^۵

انحصار آتش افروزی در چوب دو درخت مرخ و عفار

نخستین تفسیری که بسیاری از مفسران برای آن ذکر کرده‌اند و معنای ساده و روشنی است که برای عموم مردم قابل فهم می‌باشد این است که در اعصار قدیم در میان عرب‌ها این امر رایج بود که برای آتش افروختن از چوب درختان مخصوص بنام - مرخ و عفار- که در بیابان‌های حجاز می‌روئیده استفاده می‌کردند.^۶

مرخ و عفار دو نوع چوب آتش زنه بود که اولی را زیر قرار می‌دادند و دومی را روی آن می‌زدند، و مانند سنگ آتش زنه جرقه از آن تولید می‌شد. در واقع به جای کبریت امروز از آن استفاده می‌کردند.^۷ البته به نظر ابن عباس و حکما، همه درختان این خاصیت را دارند و فقط درخت عناب چنین نیست.^۸ قرآن می‌گوید: «آن خدایی که می‌تواند از این درختان سبز آتش بیرون بفرستد قدرت دارد که بر مردگان لباس حیات بپوشاند». آب و آتش دو چیز متضاد است، کسی که می‌تواند آن دو را در کنار هم قرار دهد قدرت این را نیز دارد که حیات را در کنار مرگ و مرگ را در کنار حیات قرار دهد.

عدم انحصار آتش سوزی در دو درخت مرخ و عفار

می‌توانیم خاصیت آتش سوزی را منحصر در این دو درخت ندانسته و از این معنا گام فراتر گذاشته و به این تفسیر دقیق برسیم که این خاصیت در همه درختان و تمام اجسام سعالم وجود دارد- هر چند دو چوب مزبور بر اثر مواد و وضع مخصوص شان آمادگی بیشتری برای این کار دارند- خلاصه این که تمام چوب‌های درختان اگر محکم به هم بخورند جرقه می‌دهند حتی چوب درختان سبز.

به همین دلیل گاه آتش سوزی‌های بزرگی در دل جنگل‌ها روی می‌دهد که عامل آن، وزش شدید بادهایی است که شاخه‌های درختان را محکم به هم کوفته و با ایجاد جرقه و وزش باد دامنه آتش توسعه یافته است. این همان الکتریسته نهفته در دل اشیاست که بر اثر اصطکاک آشکار می‌گردد.

ساخته شدن سلولز نباتی به وسیله گیاهان

ما می‌توانیم تفسیر عمیق تری نیز از آیه ارائه دهیم و آن این که یکی از کارهای مهم

گیاهان مسأله کربن گیری از هوا، و ساختن سلولز نباتی است .
 یاخته های درختان و گیاهان گاز کربن را از هوا گرفته و با تجزیه اش، اکسیژن آن را آزاد و سپس کربن را در خود نگه داشته، و با ترکیب آن با آب، چوب درختان را می سازد؛ ولی از آنجا که هر ترکیب شیمیایی یا باید انرژی را جذب و یا آن را آزاد کند درختان در عمل کربن گیری از گرما و نور آفتاب به عنوان انرژی فعال استفاده می کنند، و همین امر سبب ذخیره شدن مقداری از انرژی آفتاب در چوب درختان می شود تا به هنگام سوختن، انرژی ذخیره شده آزاد و گرما و نور تولید شود؛ این خود نوعی از رستاخیز است؛ یعنی: انرژی های مرده از نو زنده می شوند و به ما می گویند: خدایی که رستاخیز ما را فراهم ساخت قدرت دارد که رستاخیز شما انسان ها را نیز فراهم سازد .

رابطه چوب و درخت

برخورداری قرآن از اسرار فراوان و ژرفای نامحدود را می توان یکی از دلایل ماندگاری آن در بستر زمان به حساب آورد و تنها کسانی قادر به درک آیات این اقیانوس بیکران هستند که در قرآن تدبر نمایند؛ تدبر یعنی: عبور از سطوح اولیه و مفاهیم ظاهری آیات و ورود اندیشمندانه به لایه های ژرف برای کشف حقایق پنهانی؛ حقایقی که بدون توجه و ژرف اندیشی برما آشکار نمی شود و شاید آنچه پیش روی شما است تنها یک نمونه از مطلب یاد شده باشد:

خداوند می فرماید: «وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ * قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ * الَّذِي جَعَلَ لَكُم مِّنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَنْتُمْ مِّنْهُ تُوقَدُونَ» (یس، ۳۶/ ۷۸-۸۰) «و برای ما مثالی زد و آفرینش خود را فراموش کرد، و گفت چه کسی این استخوان ها را زنده می کند در حالی که پوسیده است؟ * بگو: همان کسی، آن را زنده می کند که نخستین بار آن را آفرید، و او به هر مخلوقی آگاه است همان کسی که برای شما از درخت سبز آتش آفرید، و شما به وسیله آن آتش می افروزید» .

شاید علت این که خداوند درخت را به استخوان ربط داده است - چنانکه درذیل می آید- این باشد که می توان از چوب درختان استخوان ساخت . در این ارتباط دانشمندان ایتالیایی پس از تحقیق و پژوهش مستمر به روشی دست یافتند که به وسیله آن می توان از چوب

درخت، استخوان ساخت. ۹.

در این روش دانشمندان قطعاتی از چوب را آن قدر گرما دادند که کربن خالص از آن به دست آمد؛ سپس با اسپری کلسیم بر روی آن، کرید کلسیم تولید کردند. آنها اقدامات فیزیکی و شیمیایی دیگری نیز برای تبدیل این کرید کلسیم به هیدروکسی آپاتیت که می توان آن را به بدن ایمپلنت کرده و از آن به عنوان استخوان مصنوعی استفاده کرد انجام دادند. ۱۰

تشابه روزنه های چوب و استخوان

درعکس بزرگ شده تکه چوب روزنه هایی مشاهده می شود که شباهت فراوانی به روزنه های استخوان دارند و این تشابه نظر دانشمندان را به خود جلب کرده است.

نکته ها: ۱. قرآن به جای «الشجر الیابس»- چوب خشک- تعبیر به «شجر أخضر»- درخت سبز- کرده است چون تنها درختان سبزند که می توانند عمل کربن گیری و ذخیره نور آفتاب را انجام دهند، درختان خشک اگرچه به مدت طولانی در معرض تابش آفتاب قرار گیرند ذره ای به ذخیره انرژی حرارتی آنها افزوده نمی شود.

۲. استفاده مردم عصر پیامبر (ص) از درخت سبز- مرخ و عفار- برای افروختن آتش. ۱۱

۳. آتش زا بودن درخت سبز و مرطوب، جلوه ای روشن از قدرت خدا. ۱۲

أخضر- سبز- صفت برای شجر- درخت- است و توصیف درخت به سبز بودن در آیه شریفه، کنایه از مرطوب بودن آن است؛ پدید آوردن آتش از چوب تر، بیانگر قدرت خداست. ۱۳

۴. آتش زا قرار دادن درخت سبز و مرطوب، دلیل و نشانه توانایی خداوند بر احیای مجدد انسان ها در روز قیامت.

برداشت یاد شده با توجه به آیات پیشین است که درصدد بیان جلوه های قدرت خداوند برای اثبات معاد و رستاخیز انسان ها است؛ یعنی: خداوندی که قادر است از درخت سبز آتش پدید آورد و از آب، آتش بیافریند؛ همو قادر است مرده را نیز زنده کند. ۱۴

۵. خداوند، درخت آتش زنه- مرخ و عفار- را برای استفاده مردم آفریده است. «الَّذِي

جَعَلَ لَكُمْ مِنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا». ۱۵

۶. فرق میان آتش گیره و آتش زنه: «توقدون» از ماده- وقود- به معنای روشن شدن آتش است، و- ایقاد- به معنای آتش افروختن و- وقود- هیزمی است که برای افروختن

آتش مورد استفاده قرار می‌گیرد. بنا بر این، جمله «فَإِذَا أَنْتُمْ مِنْهُ تُوقِدُونَ»؛ «از آن آتش روشن می‌کنید» اشاره به هیزم‌هایی است که با آن آتش می‌افروزند، و به تعبیر دیگر اشاره به آتش گیره است نه آتش زنه؛ توضیح: این که ما در فارسی هیزم را آتش گیره و کبریت یا فندک را آتش زنه می‌نامیم، و در لغت عرب هیزم را وقود و کبریت و فندک را زند یا زند می‌نامند. ۱۶

نتیجه گیری

از آیه ۸۰ سوره یس چنین بر می‌آید که خدایی که قادر است بین دو شیء متضاد - آتش و آب موجود در درختان سبز - را جمع کرده و آنها را در کنار یکدیگر قرار دهد، چنین کسی حتما قادر خواهد بود که انسان‌ها را بعد از مرگشان زنده نموده و در مقابل اعمالشان مورد بازخواست قرار دهد.

از دیرباز اعتقاد بر این بود که تنها از چوب دو درخت مرخ و عفار می‌توان آتش افروخت ولی با توجه به اطلاق آیه، می‌توان گفت در تمام درختان سبز آتش موجود است و این خود به نوعی از موارد اعجاز علمی قرآن به حساب می‌آید. علاوه بر این شاید بتوان گفت بدین علت قرآن برای قدرت خدا در جمع آوری استخوان‌های پوسیده مثال درخت سبز را آورده زیرا دانشمندان بدین نتیجه رسیده اند که می‌توان از چوب درختان برای ساخت استخوان مصنوعی بهره گرفت.

-
- | | |
|--|---|
| ۱. المحاضرات «خوئی»، ۱/ ۲۱۴؛ التفسیر المفسرون | ۷. المیزان، ۱۷/ ۱۱۲. |
| «معرفت»، ۱/ ۹۹؛ روش شناسی تفسیر قرآن «بابایی» | ۸. البحر المحيط، ۹/ ۸۵ |
| ۲۵۴/ | ۹. (www.tebyan-zn.ir) |
| ۲. علوم قرآنی «معرفت» / ۹۱. | ۱۰. (www.pezeshk.us) |
| ۳. المیزان، ۳/ ۷۴. | ۱۱. تفسیر نور، ۹/ ۵۶۳. |
| ۴. بحارالانوار، ۸۹/ ۹۷. | ۱۲. تفسیر المراغی، ۲۳/ ۳۸ |
| ۵. ن. ک: تفسیر نمونه، ۱۸/ ۲۶۳؛ تفسیر موضوعی قرآن | ۱۳. تفسیر راهنما «هاشمی رفسنجانی»، ۱۵/ ۲۴۵. |
| کریم «نهاد نمایندگی در دانشگاهها» / ۴۶. | ۱۴. همان. |
| ۶. مجمع البیان، ۸/ ۶۷۹؛ البحر المحيط، ۹/ ۸۵؛ | ۱۵. همان. |
| تفسیر القرآن العظیم «ابن کثیر»، ۶/ ۵۳۰؛ قاموس | ۱۶. تفسیر نمونه، ۱۸/ ۴۶۶. |
| قرآن «قرشی»، ۱- ۲/ ۲۵۷. | |